

# دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

مهدی منتظر\*

سید نصرالله ابراهیمی\*\*

## چکیده

استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران از اوایل دهه هفتاد شمسی به‌عنوان یکی از سازوکارهای قراردادی رایج در جذب سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی قرار گرفت که دلیل آن را باید در وجود برخی از محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی جستجو نمود. با وجود این، عمده‌ترین دلایل استفاده از قراردادهای مذکور در این حوزه را می‌توان وجود الزامات یا محدودیت‌های قانونی از قبیل اصول ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۸۱ قانون اساسی و همچنین رعایت اصولی از قبیل اصول مالکیت و حاکمیت دولت بر منابع و مخازن نفتی و گازی و تأمین مصالح کشور و ضرورت توسعه اقتصادی دانست. قرارداد بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز به‌نحوی طراحی شده است که دولت میزبان به دلیل الزامات قانونی فوق، هیچ‌گونه مالکیت یا مشارکتی را برای شرکت سرمایه‌گذار خارجی به‌رسمیت نشناخته و وی را مکلف می‌نماید تا پس از راه‌اندازی و تولید، میدان را به شرکت ملی نفت ایران (کارفرما) واگذار نماید.

## واژگان کلیدی

قراردادهای بیع متقابل، توسعه میدان‌های نفتی و گازی، بخش بالادستی صنعت نفت و گاز، سرمایه‌گذاری خارجی.

\* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

mhdmontazer@yahoo.com

\*\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سابقه تولید نفت در ایران به بیش از یکصد سال می‌رسد. وابستگی بخشی از اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی نیز هر روز در حال افزایش است و افزایش قیمت نفت خام در سال‌های اخیر، سبب افزایش قابل‌ملاحظه‌ای در درآمدهای ارزی کشور شده است. بنابراین ضرورت انجام برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در بخش نفت و گاز خصوصاً توسعه میدان‌های مشترک، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و مواد مندرج در برنامه‌های پنج‌ساله کشور در این خصوص نیز درجهت تحقق همین مهم بوده است. قرارداد بیع متقابل، یکی از انواع قراردادهای بالادستی است که شرکت ملی نفت ایران از آن برای توسعه میدان‌های نفتی و گازی به‌منظور تأمین مالی و سرمایه‌گذاری و همچنین استفاده از توانمندی‌های فنی شرکت بین‌المللی نفتی یا گازی استفاده می‌نماید.<sup>(۱)</sup> به‌موجب بند «ب» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور، تبصره ۲۹ قانون بودجه سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، بند «و» تبصره ۲۲ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه، بند ۳ ماده ۱۲۵ و ماده ۱۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، جذب سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل، مجاز شناخته شده و بر این اساس تاکنون قراردادهای بیع متقابل بسیاری منعقد و اجرا شده است. لذا در این نوشتار پس از بیان مفهوم و ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل نفتی و گازی به دلایل استفاده از این نوع قراردادها در بخش بالادستی نفت و گاز پرداخته خواهد شد.

### ۱. مفهوم بیع متقابل و ویژگی‌های آن

طرح استفاده از قراردادهای خدماتی پیمانکاری<sup>(۲)</sup> در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز به قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ باز می‌گردد. پس از انقلاب برای اولین بار، نمونه‌ای از بیع متقابل در سال ۱۳۷۲ در حوزه نفتی ایران منعقد شد.<sup>(۳)</sup> در این سال مجلس به شرکت ملی نفت ایران اجازه داد تا قراردادهایی با حداکثر مبلغ ۳/۲ میلیارد دلار آمریکا جهت توسعه میدان‌های گازی پارس و پارس جنوبی با شرکت‌های متخصص خارجی منعقد نماید به شرط اینکه تمامی هزینه‌ها از طریق تخصیص بخشی از تولیدات این میدان‌ها یا عواید حاصل از فروش آن، بازپرداخت گردد.<sup>(۴)</sup> ذکر این

1. A. Ghandi, & Lin, C-Y Cynthia, "Do Iran's Buy-back Service Contracts Lead to Optimal Production? The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, p.1. (available at: <http://www.ucdavis.edu>).

۲. از این نوع قراردادها بدو جهت بازسازی و نوسازی تأسیسات فرسوده میدان‌های در دست تولید استفاده می‌شده است و به قراردادهای خرید خدمت نیز معروف است. در ماده یک قانون نفت ۱۳۵۳ این نوع قراردادها تحت‌عنوان قرارداد پیمانکاری شناخته شده و بدین‌گونه تعریف شده است: «قراردادی که به‌موجب آن، طرف قرارداد، مسئولیت اجرای برخی از عملیات نفتی را در ناحیه معینی از طرف شرکت ملی نفت ایران و با نام آن شرکت بر طبق مقررات این قانون برعهده می‌گیرد».

۳. شیروی، عبدالحسین و ابراهیمی، سیدنصرالله، **اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل**، ترجمه مجتبی اصغریان، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست‌وششم، شماره ۴۱، پاییز- زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۴۵-۲۴۴.

4. A. Shiravi, and S. N. Ebrahimi, "Exploration and Development of Iran's Oil Fields Through Buyback", *Natural Resources Forum* 30, Blackwell Publishing Ltd, 2006, p. 200.

این نکته ضروری است که اصطلاح بیع متقابل، برگردانی ناصحیح از این نوع قراردادهاست. بآنکه قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز تحت عنوان قراردادهای خدمات پیمانکاری<sup>(۵)</sup> منعقد می‌گردد، قراردادهای مزبور به قراردادهای بیع متقابل شهرت یافته است که درحقیقت اطلاق قراردادهای بیع متقابل به این دسته از قراردادهای بالادستی ممکن است از بابت انعقاد موافقت‌نامه موسوم به «موافقت‌نامه فروش طولانی‌مدت نفت خام»<sup>(۶)</sup> باشد که به‌عنوان سند موافقت‌نامه پیوست قرارداد اصلی خدمات پیمانکاری شناخته می‌شود. اما در خصوص استفاده از اصطلاح معامله متقابل، لازم به ذکر است که در ماده یک آیین‌نامه معاملات متقابل مصوب ۱۳۶۹/۰۱/۲۰ هیئت وزیران آمده است: «معامله متقابل، عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن، یک طرف، «تأمین‌کننده» در مقابل طرف دیگر، «صادرکننده» مبنی بر تولید و تحویل مقدار معینی کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین‌آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد». لیکن با توجه به کارکرد بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران می‌توان گفت از این‌گونه قراردادها در اکتشاف، استخراج، توسعه، تولید و بهره‌برداری ذخایر موجود نفت و گاز استفاده می‌شود. در این قراردادها شرکت سرمایه‌گذار خارجی متعهد می‌گردد که با تأمین منابع مالی، دانش فنی، ارائه تجهیزات و مواد لازم، یک میدان را توسعه دهد. هزینه‌های سرمایه‌گذار و حق‌الزحمه آن از طریق تخصیص بخشی از نفت تولیدی به سرمایه‌گذار یا اختصاص بخشی از عواید ناشی از فروش نفت خام بازیافت می‌شود.<sup>(۷)</sup> بر این اساس می‌توان گفت قراردادهای بیع متقابل ایران دارای ویژگی‌های خاصی است که به‌موجب آن، شرکت بین‌المللی نفتی به‌عنوان پیمانکار، کلیه عملیات توسعه یا اکتشاف و توسعه میدان‌های نفتی یا گازی را به هزینه خود یا از طریق تأمین مالی آن با تعهد خود در مدت مشخصی انجام داده و پس از تحقق تولید به میزان مقرر در قرارداد، میدان را به کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) جهت تولید و بهره‌برداری تحویل می‌دهد و در مقابل می‌تواند درصد مشخصی از محصول تولیدی را به‌عنوان حق‌الزحمه در مدت معین جهت استهلاک اقساط سرمایه، هزینه‌ها و حق‌الزحمه به قیمت روز دریافت نماید. از دیگر ویژگی‌های بیع متقابل می‌توان به حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت ایران بر منابع نفت و گاز کشور و همچنین عدم ارائه هرگونه ضمانتی توسط دولت و بانک مرکزی بابت عدم اکتشاف یا عدم تحقق تولید میدان‌های نفت و گاز اشاره نمود و در مقابل، پیمانکار، خطرات و ریسک عدم‌دستیابی به اهداف موردتوافق در قرارداد و در نتیجه عدم امکان بازپرداخت هزینه‌های انجام‌شده را تقبل می‌نماید.

## ۲. دلایل استفاده از بیع متقابل

### ۲-۱. الزام قانونی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد که خداوند مالک حقیقی بوده و حق قانونگذاری از آن اوست. به‌موجب اصل چهارم قانون اساسی ایران، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد. اصل ۴۳ قانون مذکور،

5. Service Contract

6. Long Term Crude Oil Sales Agreement

۷. شیروی و ابراهیمی، پیشین، ص ۱۸.

هرگونه سلطه اقتصادی خارجی را بر اقتصاد کشور ممنوع کرده است و به علاوه اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «... بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ و ... و مانند این‌هاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است...». اصل ۴۵ همان قانون، انفال و ثروت‌های عمومی را تحت اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. اصل ۸۱ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان ممنوع است». به طور خلاصه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مالکیت مستقیم خارجیان بر منابع زیرزمینی را ممنوع نموده است. در نتیجه به کارگیری مدل‌های قراردادی امتیازی و مشارکت در تولید که موجبات انتقال مالکیت مخازن به سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم می‌سازد، در ایران منتفی و غیرممکن به نظر می‌رسد. قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶ انعقاد قرارداد فیما بین شرکت ملی نفت ایران و اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی را اجازه می‌نماید. ممنوعیت مالکیت خارجی بر منابع زیرزمینی در جمهوری اسلامی ایران به معنای منع کنترل خارجی بر منابع زیرزمینی تفسیر شده است. در نتیجه این تفسیر بدین معناست که شرکت نفتی خارجی صرفاً می‌تواند به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران عمل نماید نه به عنوان مالک و اصیل.<sup>(۸)</sup> استفاده از قراردادهای بیع متقابل باید با اصول و مبانی مربوط به حقوق ایران همخوانی داشته باشد. لذا قانونگذار در قوانین مختلفی اصول مرتبط با حقوق مربوط به صنعت نفت و گاز را پیش‌بینی نموده است تا دولت از قراردادهای بیع متقابل در راستای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی نفت و گاز استفاده نماید.

## الف) اصل مالکیت

در قراردادهای بیع متقابل، نه تنها مالکیت بر مخازن و منابع نفتی در اختیار حکومت اسلامی است بلکه مالکیت زمین منطقه مورد اکتشاف نیز در تملک بیگانگان قرار نمی‌گیرد. بنابراین شرکت‌های خارجی، تحت هیچ عنوان مالک زمین منطقه مورد اکتشاف نمی‌شوند. البته شرکت‌های مزبور، مجوز لازم را برای شروع عملیات اکتشافی یا توسعه چاه‌ها و میدان‌ها از شرکت ملی نفت اخذ می‌نمایند تا بتوانند آزادانه تکالیف قراردادی خود را انجام دهند. ممنوعیت اعمال مالکیت سرمایه‌گذار خارجی نسبت به معادن در ایران به ممنوعیت اعمال کنترل خارجی تفسیر می‌شود. این تفسیر ضرورتاً به این معناست که سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران عمل نماید نه مالک اصلی یا اصیل.<sup>(۹)</sup>

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، زمین و معادن جهت اداره امور به دولت واگذار می‌شود. از این رو منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز به عنوان مشترکات و اموال عمومی محسوب می‌شوند و مالکیت آن‌ها قابل انتقال به

8. C. Ule, & A. Barendroff, "Iran Investing in the Oil & Gas Industry (From a Business and Legal Perspective)", M. Legal, Frankfurt am Main, 2005, pp. 13-14. ([www.mena-legal.com](http://www.mena-legal.com)).

9. M. Bunter, "The Iranian Buy-back Agreement", vol. 1, Issue # 02, March 2003, p. 2. ([www.goeconsulting.co.uk](http://www.goeconsulting.co.uk)).

سرمایه‌گذار خارجی نیست.<sup>(۱۰)</sup> شاید دلیل این امر آن است که دولت‌ها مالک زمین و منابع زیرزمینی به مفهوم موجود در حقوق خصوصی نیستند تا بتوانند آن را به دیگران منتقل نمایند. البته در برخی نظام‌های حقوقی از قبیل آمریکا، مالکیت خصوصی بر منابع هیدروکربونی از نخستین روز استخراج نفت، مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>(۱۱)</sup> در فقه امامیه معادن به انفال تعبیر شده است و ضابطه اصلی در شناسایی مصادیق انفال را باید «مالک خاص نداشتن» دانست.<sup>(۱۲)</sup> فقها معادن و منابع زیرزمینی را به دو دسته معادن ظاهر و معادن باطن تقسیم می‌نمایند. معادن ظاهری معادنی است که روی زمین قرار دارد یا تا سطح زمین فاصله چندانی ندارد و معادن باطنی معادنی است که ماده استخراج شده از معدن برای ابراز خصایص معدنی‌اش نیازمند انجام فعل و انفعالاتی است.<sup>(۱۳)</sup> از این‌رو در مورد معادن دسته اول معتقدند که هر کس از آن معادن برداشت و آن را حیزت نماید مالک آن می‌شود.<sup>(۱۴)</sup> در این راستا نظریه دیگری وجود دارد که منابع و معادن را متعلق به عامه دانسته و حکومت اسلامی حق واگذاری آن را به اغیار با رعایت حقوق سایر افراد و جامعه دارد.<sup>(۱۵)</sup> در مورد معادن باطن نیز همان دو دیدگاه وجود دارد.

از این‌رو یکی از دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در زمینه نفت و گاز این است که هیچ‌گونه مالکیتی به شرکت‌های خارجی واگذار نمی‌شود، درحالی‌که استفاده از دیگر قراردادهای بین‌المللی رایج نفتی ممکن است به تجربه تلخ استفاده از قراردادهای امتیازی در دوران قاجار منتهی شود. در این خصوص ماده ۴ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۷ اشعار می‌دارد: «موضوع شرکت عبارت است از اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور و فلات قاره و اشتغال به عملیات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته در داخل و خارج کشور...». همچنین این اصل در بند «الف» ماده یک لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۹ شورای انقلاب نیز بدین شرح مورد تأکید قرار گرفته است: «هدف از ایجاد وزارت نفت، اعمال اصل مالکیت و حاکمیت ملی ایران بر ذخایر و منابع نفت و گاز، بر صنایع و تأسیسات نفت، گاز، پتروشیمی و وابسته به آن در بهره‌برداری و بازاریابی است...».

در ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ مجلس شورای اسلامی نیز اصل فوق، مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است. ماده فوق مقرر می‌دارد: «منابع نفت کشور، جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵

۱۰. گروه مشاوران، **بررسی الگوهای مناسب برای تأمین مالی در بخش بالادستی نفت و گاز**، جلد اول، دفتر همکاری‌های فناوری معاونت انرژی ریاست جمهوری، دی ماه ۱۳۸۴، ص ۸.
۱۱. شافع، میرشهبیز، **مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحده آمریکا**، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۵۵.
۱۲. حبیبی، محمدحسن و نجارزاده هنجنی، مجید، **ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی**، مجله حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۸.
۱۳. امانی، مسعود، **حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت**، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۴۲.
۱۴. حبیبی، و نجارزاده هنجنی، پیشین، ص ۵۸.
۱۵. جعفریه، احمدرضا، **بررسی تطبیقی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران با قراردادهای سایر کشورها**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰، ص ۱۵.

قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که بر اساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد که بر طبق اصول و برنامه‌های کلی کشور عمل نماید». مضافاً آنکه در ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ نیز مقرر شده است: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اصل مالکیت با توجه به سوابق گذشته، از اهمیت ویژه‌ای در خصوص سرمایه‌گذاری در صنعت نفت کشور در حقوق ایران برخوردار است. قانونگذار در بند یک قسمت «ب» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ نیز صراحتاً بر اعمال تصرفات مالکانه دولت بر منابع نفت و گاز کشور در هنگام انعقاد قراردادهای اکتشاف و توسعه تأکید نموده است.

### (ب) اصل حاکمیت دولت بر منابع و مخازن

با توجه به بحث پیشین، شرکت‌های بین‌المللی نفتی نمی‌توانند مالکیت منابع، مخازن و معادن را در کشور ایران دارا باشند. البته بدیهی است با حفظ حقوق مالکانه و حاکمیتی خود، دولت‌ها همواره این حق را دارند که جهت اداره امور کشور و پیشرفت‌های عمرانی، اقدام به انعقاد قراردادهای خارجی در راستای حفظ منافع، مخازن و منابع ملی نمایند. منافع ملی شامل منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده است. این واژه دارای مفهومی عام است که از قلمرو اقتصادی فراتر می‌رود و حوزه‌هایی چون سیاست و فرهنگ را نیز در برمی‌گیرد.<sup>(۱۶)</sup>

### (۱) حاکمیت ملی

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، «معادن بزرگ» از قبیل معادن نفت و گاز در اختیار بخش دولتی هستند که به صورت «مالکیت عمومی و در اختیار دولت» قرار گرفته‌اند. حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود در خاک و زیر خاک و قلمرو دریایی تا عمق نامحدود گسترده است. این امر در مورد منابع موجود در فلات قاره نیز صادق است.<sup>(۱۷)</sup> همچنین بر اساس اصل فوق، معادن، جزء «انفال و ثروت‌های عمومی» می‌باشد که در اختیار حکومت اسلامی است تا مطابق مصالح عامه با آن رفتار نماید. رعایت اصل حاکمیت ملی در همه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز الزامی است و هرگونه اقدام در مناطق نفتی و گازی، چه در زمینه اکتشاف یا توسعه میدان باید منطبق با این اصل باشد.

۱۶. درخشان، مسعود، منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، ۱۳۸۱، ص ۱۳.

۱۷. کاشانی، جواد، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹.

## ۲) حاکمیت دولت

از جمله اصولی که پس از ملی‌شدن صنعت نفت ایران مورد توجه قرار گرفته، اصل حاکمیت دولت بر منابع و مخازن نفتی است که در کلیه قراردادهای منعقد در این حوزه مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع یکی از دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز، آن است که با انعقاد این‌گونه قراردادها هیچ مالکیتی از معادن و منابع تولیدی به طرف خارجی منتقل نمی‌شود و از آغاز تا پایان قرارداد، مالکیت در اختیار شرکت ملی نفت ایران است. این اصل در ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ و همچنین قانون اصلاح قانون نفت مصوب سال ۱۳۹۰ پیش‌بینی شده است. اصل فوق در حقوق بین‌الملل نیز به این صورت مورد تأکید قرار گرفته است که اساساً دولت آزاد است صلاحیت سرزمینی انحصاری خود را اعمال کند، البته با اطمینان از اینکه سرزمین او برای منظوری مغایر با منافع دولت دیگر به‌کار گرفته نشود.<sup>(۱۸)</sup> در بند یک قسمت «ب» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه صراحتاً از این اصل در قالب «حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت بر منابع نفت و گاز کشور» نام برده شده است که باید همواره در انعقاد قراردادهای اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز از جمله قراردادهای بیع متقابل، مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۹۱ تعداد زیادی قرارداد بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز به امضا رسیده است که بر اساس آن‌ها هیچ‌گونه مالکیتی برای پیمانکاران اعم از داخلی یا خارجی در نظر گرفته نشده است و مشارکت خارجی تنها به تأمین مالی پروژه‌های بالادستی و انجام خدمات پیمانکاری محدود می‌شود.<sup>(۱۹)</sup>

## ۳. تأمین و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

از جمله دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران را می‌توان جلب و جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی در تأمین سرمایه و عدم استقراض خارجی توسط دولت و شرکت ملی نفت ایران دانست زیرا همواره کمبود منابع مالی در کشورهای درحال توسعه و کشورهای سرمایه‌پذیر در حوزه نفت و گاز از دغدغه‌های اساسی آن کشورها در رشد صنایع نفت و گاز محسوب می‌شود. از سوی دیگر، اکتشاف و توسعه میدان‌های نفتی نیازمند فناوری پیشرفته و نیروهای متخصص است که خود یکی از موجبات انعقاد قراردادهای بین‌المللی بالادستی در این صنعت می‌باشد. توضیح آنکه در گذشته، بسیاری از کشورهای درحال توسعه، تمایل چندانی به گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که توسط شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گرفت نداشتند و معتقد بودند که این شرکت‌ها نه تنها در فکر غارت منابع کشورهای میزبان هستند بلکه حاکمیت و استقلال ملی آنان را نیز به‌خطر انداخته و موجب وابستگی اقتصادی کشور می‌شوند.<sup>(۲۰)</sup> لیکن در سال‌های اخیر دیدگاه کشورهای درحال توسعه به‌دلیل نقش مؤثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی

۱۸. همان، ص ۱۳۲.

۱۹. ابراهیمی، سید نصرالله، اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت، مصاحبه اختصاصی با شانا، مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۸.

۲۰. صابر، محمدرضا، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، دادگستر، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۳۲.

دگرگون شده است. (۲۱)

به نظر می‌رسد در راستای تأمین مالی پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز لازم است دانش تخصصی و حرفه‌ای تأمین مالی در بازیگران این صنعت وجود داشته باشد. در تعریف تأمین مالی گفته شده است که آن بخش از دانش مالی است که روش‌های مختلف را جهت جذب نقدینگی به بهترین ساختار و کمترین هزینه سرمایه، ابداع یا مورد کنکاش قرار می‌دهد. (۲۲) اگرچه تقسیم‌بندی دقیق و روشنی بین روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد، کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی به‌ویژه آنکتاب و صندوق بین‌المللی پول، در زمینه ارائه مدل و طرحی برای موازی‌نمودن راه‌های سرمایه‌گذاری تلاش‌های زیادی کرده‌اند. (۲۳) امروزه در کشورهای زیادی، مطابق با الزامات ناشی از کمبود منابع مالی و سیاست دولت‌ها در راستای گسترش صادرات غیرنفتی، بازگشت اصل و سود سرمایه و تسهیلات مالی خارجی، به ارز حاصل از صادرات کالاها یا درآمدهای ارزی واحد پذیرنده این قبیل منابع مالی ارتباط دارد. (۲۴)

اصولاً در قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز ایران، تأمین اعتبار توسط شرکت‌های خارجی صورت می‌پذیرد و این یکی از ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل در ایران است و در این خصوص نه تنها تأمین مالی پروژه به عهده شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان کارفرما نیست، بلکه وی تأمین مالی صورت‌پذیرفته توسط شرکت سرمایه‌گذار خارجی را در زمینه اکتشاف و توسعه میدان‌های نفتی و گازی تضمین نیز نخواهد کرد.

سرمایه‌گذاری خارجی به دو گروه عمده تقسیم می‌شود: گروه اول شامل مواردی است که سرمایه‌گذار علاوه بر اعمال مالکیت بر سرمایه، کلاً یا بعضاً مدیریت و کنترل سرمایه را نیز به عهده دارد که به این نوع سرمایه‌گذاری، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» (۲۵) گفته می‌شود. نوع دیگر سرمایه‌گذاری به «سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی» (۲۶) یا سرمایه‌گذاری «پورتفولیو» (۲۷) معروف است که در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار به‌دنبال کنترل و مدیریت سرمایه نیست بلکه به‌دنبال سود و منفعت است. (۲۸)

قدیمی‌ترین سرمایه‌گذاری خارجی در گرفتن امتیاز انحصاری از کشورهای ضعیف و تحت‌سلطه، توسط

---

۲۱. رحمانی، فریده، *جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی*، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، بی‌تا، ص ۱۶۴.

۲۲. امامی‌مبیدی، علی و رادان، مهسا، *جزوه آموزشی روش‌های تأمین مالی پروژه‌ها*، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۲، ص ۲.

۲۳. صارمی، محمود و جمالی، احمد، *کاربرد مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه فازی برای انتخاب شیوه مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهشنامه، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۷۹.

۲۴. قاسمی، سامان، *بررسی راه‌های تجهیز و توسعه منابع مالی خارجی*، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۲۵-۲۶، آبان و آذر ۱۳۸۲، ص ۳۵.

25. Foreign direct investment (FDI)

26. Foreign indirect investment

27. Portfolio investment

۲۸. شیروی، عبدالحسین، *حقوق تجارت بین‌الملل*، سمت، ۱۳۸۹، ص ۴۴۰.



شرکت‌ها و دولت‌های خارجی صورت پذیرفته است.<sup>(۲۹)</sup> نمونه این مسئله مربوط به دادن امتیازات دوران سلطنت قاجار به کمپانی‌های انگلیسی بوده است. اما در روش جدید جلب سرمایه‌گذاری خارجی، دو الگو جهت قراردادهای بیع متقابل به چشم می‌خورد. اولین الگو به قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ مربوط می‌شود و دومین آن به جذب سرمایه‌گذاری خارجی به روش بیع متقابل به‌ویژه بر اساس شرایط هشت‌گانه مندرج در ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور مصوب ۱۳۸۳ مربوط است. امروز جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران به دلیل اعمال تحریم‌های متعدد اقتصادی دچار چالش جدی شده است. گزارش راجر استون استاد دانشگاه جان هاپکینز در این مورد حائز اهمیت است. او معتقد است: «اقتصاد ایران به شدت به تک‌محصول نفت خام وابسته است و در صورتی که امکان صادرات نفت خام از ایران گرفته شود، این دولت قادر به اداره کشور نخواهد بود». او می‌افزاید: «دو عامل، صادرات نفت خام این کشور را فرسایش می‌دهد:

۱- افت طبیعی تولید مخازن نفتی که اغلب در نیمه دوم عمر خود قرار دارند.

۲- افزایش سهم مصرف داخلی از طریق افزایش پرشتاب مصرف داخلی.»<sup>(۳۰)</sup>

در حال، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران محدودیت‌هایی را مقرر می‌دارد. به موجب ماده ۲ این قانون، سرمایه‌گذاری خارجی باید از طرفی موجب رشد اقتصادی گردد و از طرف دیگر امنیت ملی و منافع عمومی و ... را تهدید نکند. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی نباید سرمایه‌گذار را در موقعیت انحصاری قرار دهد.<sup>(۳۱)</sup>

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که با توجه به محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، بیع متقابل را می‌توان شیوه مناسبی جهت فعال‌سازی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های راهبردی اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابعی چون نفت و گاز دانست.<sup>(۳۲)</sup> لذا یکی از عمده‌ترین نقش‌های شرکت بین‌المللی نفتی در مدل ایرانی قراردادهای بیع متقابل، ورود سرمایه خارجی است. در این نوع قراردادها، سرمایه‌گذار خارجی مبادرت به تأمین مالی پروژه می‌نماید و هزینه‌های انجام‌شده از طریق درآمدهای حاصله از درصد مشخصی از نفت و گاز تولیدی به وی پس از تحقق تولید پیش‌بینی‌شده در قرارداد بازپرداخت می‌گردد. بهره بانکی نیز به صورت نرخ بانکی بر اساس لیبور لندن<sup>(۳۳)</sup> محاسبه می‌گردد. البته به منظور دستیابی به

۲۹. خزاعی، حسین، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۷۱، ص ۲.

۳۰. مدرسی، میترا، توسعه صنعت نفت و گاز در ایران، موانع، چالش‌ها و فرصت‌ها، ماهنامه فنی و تخصصی اکتشاف و تولید، شماره ۷۶، بهمن ۱۳۸۹، ص ۶۸.

۳۱. شیروی، عبدالحسین و پوراسماعیلی، علیرضا، مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۴.

۳۲. صادقی، جوانمرد، جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy-back) مفهوم، ماهیت و تشریفات انعقاد، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، بهار-تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۳۳.

۳۳. منظور از نرخ بانکی لیبور، همان نرخ بهره پیشنهادی بین بانکی لندن است که در ساعات مختلف برای دوره‌های زمانی هفتگی، ماهانه تا یک سال اعلام می‌شود. برای اطلاع بیشتر ن.ک:

E. Ferran, "Principles of Corporate Finance Law", Oxford University Press, First Published, 2008, p. 323.

بازگشت سرمایه‌گذاری توأم با ریسک، حق‌الزحمه‌ای نیز به صورت مستمری سالیانه به سرمایه‌گذار خارجی پرداخت می‌شود که میزان آن از طریق مذاکره فی‌مابین طرفین قرارداد توافق می‌گردد.<sup>(۳۴)</sup>

اگرچه در این نوع قراردادها، شرکت سرمایه‌گذار خارجی کلیه هزینه‌های نفتی از قبیل نصب تجهیزات، راه‌اندازی و انتقال فناوری و دانش فنی را بر عهده دارد، موظف است آن‌ها را پس از راه‌اندازی میدان و تأسیسات منصوبه، به شرکت ملی نفت ایران واگذار نماید.<sup>(۳۵)</sup> علاوه بر این، حق تولید و بهره‌برداری از میدان‌های توسعه‌یافته نیز متعلق به شرکت ملی نفت ایران است.<sup>(۳۶)</sup> البته در مواد ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه، پیش‌بینی شده است که پیمانکار ذی‌صلاح اعم از داخلی یا خارجی با حفظ مالکیت و حاکمیت دولت، می‌تواند علاوه بر عملیات اکتشافی و توسعه‌ای، به عملیات تولیدی و بهره‌برداری از جانب شرکت ملی نفت ایران بپردازد.

#### ۴. تأمین مصالح کشور و توسعه اقتصادی

یکی دیگر از اصول بنیادی مربوط به انعقاد قراردادهای بیع متقابل آن است که مصالح کشور با در نظر گرفتن پیشرفت و توسعه آن در قراردادها رعایت گردد و همچنین بهره‌وری از میدان‌های نفتی و گازی مربوط به قرارداد به حداکثر برسد. از این رو اصل تولید صیانتی و اصل توسعه اقتصادی کشور را می‌توان در جهت رعایت اصل مذکور دانست که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

##### ۴-۱. اصل تولید صیانتی

اصل تولید صیانتی، اصلی است که در آن، تولید حاصل از میدان‌های نفتی در طول عمر میدان به حداکثر رسانده شود.<sup>(۳۷)</sup> در واقع اصل تولید صیانتی آن است که حداکثر استفاده از تولیدات حاصل از میدان‌های نفتی صورت گیرد و تولیدات این میدان‌ها به حداکثر برسد. از اشکالات مطروحه در مورد قراردادهای بیع متقابل این است که عمر این‌گونه قراردادها بسیار کوتاه است و «غیرصیانتی بودن تولید، از نتایج کوتاه‌بودن مدت طرح‌ها است. توضیح اینکه ۵ تا ۶ سال عمر متوسط قراردادهای بیع متقابل، به معنای پایان عمر پروژه نیست».<sup>(۳۸)</sup> از همین حیث برخی کارشناسان عقیده دارند

34. J. Wright. & A. Byrknes, "Buy-back Contract Risk Modeling Using System Dynamics", Sustainability in the Third Millennium, August 2000, p. 2.

۳۵. گروه نویسندگان، کالبدشکافی سرمایه‌گذاری نفتی صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)، انتشارات کویر، ۱۳۷۹، ص ۳۵.

36. A. Ghandi, & Lin, C-Y Cynthia, "An Analysis of Risk and Rate of Return to International Oil Companies From Iran's Buy-back Service Contract: The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, p. 7. (available at: <http://www.ucdavis.edu>).

۳۷. ابراهیمی، اصلاح یا جایگزینی ...، پیشین.

۳۸. اخلاقی، بهروز، ملاحظاتی پیرامون بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، ۱۳۸۷، ص ۲۵.

که قالب کنونی قراردادهای بیع متقابل به هیچ وجه به نحو مناسب، حافظ این اصل نیست.<sup>(۳۹)</sup> البته پاسخ به این ایراد آن است که شرکت‌های بین‌المللی نفتی در قراردادهای بیع متقابل به‌عنوان پیمانکار<sup>(۴۰)</sup> و نه عامل یا بهره‌بردار<sup>(۴۱)</sup> حضور دارند و لذا آن‌ها تنها مجری برنامه‌ها، دستورها و شرح‌کار جامع توسعه که توسط شرکت ملی نفت تهیه یا تأیید شده می‌باشند و نه آنکه برای شرکت ملی نفت و از طرف آن نسبت به مدیریت مخزن مستقلاً تصمیم گرفته و عملیات نفتی را برنامه‌ریزی و مدیریت نمایند. بنابراین در اصل، انتساب تصمیم‌گیری در مورد سطح تولید و تولید صیانتی به پیمانکاران بیع متقابل، ناشی از درک ناصحیح ماهیت این قراردادها است. ضمن آنکه پیمانکار پس از انجام عملیات اکتشاف و توسعه بر اساس برنامه‌های جامع اکتشاف<sup>(۴۲)</sup> توصیف<sup>(۴۳)</sup> و توسعه<sup>(۴۴)</sup> و با رسیدن به اهداف عملیات مزبور و تحقق تولید، میدان را به شرکت ملی نفت و شرکت‌های بهره‌بردار این شرکت واگذار می‌کند و عملاً نقشی در تولید و بهره‌برداری از میدان نخواهد داشت. بنابراین اساساً برنامه تولید از میدان نفتی و گازی در دست پیمانکاران خارجی نبوده و نیست و لذا موضوع رعایت صیانت میدان توسط پیمانکاران خارجی سالبه به انتفای موضوع است.

بر اساس بند ۷ ماده ۱ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ تولید صیانت‌شده از منابع نفت عبارت است از کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت بر اساس سیاست‌های مصوب می‌شود. بنابراین دو نکته مهم در این قانون مورد توجه قرار گرفته است که یکی از آن‌ها حداکثرسازی ارزش اقتصادی و دیگری طول عمر مخزن است.<sup>(۴۵)</sup>

اصل تولید صیانتی در بند «ب» ماده ۱ لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۹ شورای انقلاب نیز پیش‌بینی شده بود. در بند «ب» ماده فوق‌الذکر، صیانت ذخایر و بهره‌برداری صحیح و مناسب از منابع نفت و گاز کشور از جمله وظایف وزارت نفت قید شده است زیرا با رعایت اصل فوق توسط نهاد مجری از هدررفت منابع زیرزمینی پیش‌گیری شده و تأثیرات اقتصادی خواهد داشت. این امر در قانون جدیدالتصویب وظایف و اختیارات وزارت نفت نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

همچنین در ماده ۷ قانون نفت ۱۳۶۶ تصریح شده است که «وزارت نفت مکلف است که در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت ذخایر نفتی... به‌عمل آورد». اگرچه پیمانکار موظف است طرح‌های توسعه نفتی را در قراردادهای نسل اول، دوم و سوم به‌صورت صیانتی تولید نموده و پس از تست ۲۱ روز از ۲۸ روز متوالی آن را به کارفرما تحویل دهد، حفظ تولید صیانتی در میدان‌ها در قراردادهای نسل‌های اول و دوم و سوم بیع متقابل از وظایف اصلی کارفرما (شرکت ملی نفت

۳۹. گروه مشاوران، پیشین، ص ۴۸-۴۳.

40. Contractor

41. Operator

42. Master Exploration Plan (MEP)

43. Master Appraisal Plan (MAP)

44. Master Development Plan (MDP)

۴۵. شکرالله‌زاده بهبهانی، حسن، تفاوت تولید نفت قبل و بعد از انقلاب، مشعل، انقلاب در نفت، ویژه‌سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بی‌تا، ص ۶۱.

ایران) بوده است زیرا وی در عمل، بهره‌بردار و تولیدکننده از این میدان‌ها می‌باشد. البته تحول جدیدی که در نسل سوم قراردادهای بیع متقابل ایجاد شده آن است که در این نوع قراردادها پیش‌بینی می‌شود که پیمانکار در طول دوره بهره‌برداری در میدان حضور داشته و متعهد است تا طرح‌های صیانتی را حسب نیاز میدان‌های نفتی سرمایه‌گذاری و اجرا نماید. توضیح آنکه در نسل سوم قراردادهای بیع متقابل پیش‌بینی شده است که به‌منظور صیانت از مخزن یا جلوگیری از کاهش زودرس فشار مخزن یا هرگونه عواملی که بازدهی مخزن را در عمر آن کوتاه یا با ضریب پایین مواجه سازد، طرح‌های ازدیاد ضریب برداشت یا بهینه‌سازی ضریب برداشت تحت‌عنوان طرح‌های IOR<sup>(۴۶)</sup> یا EOR<sup>(۴۷)</sup> اجرا گردد و لذا پیمانکار در این قراردادها مکلف است که در طول دوره میدان نفت، چنانچه ضرورت برای اجرای طرح‌های مزبور وجود داشته باشد، با تأیید شرکت ملی نفت از طریق اجرای طرح‌های IOR و EOR در این زمینه سرمایه‌گذاری کند.<sup>(۴۸)</sup>

## ۲-۴. اصل توسعه اقتصادی کشور

با توجه به اینکه قراردادهای بیع متقابل، منجر به جذب میلیاردها دلار سرمایه خارجی می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های ذی‌ربط منجر به تولید بهینه از میدان‌های نفتی و گازی می‌شود و بالطبع عوائد حاصل از سرمایه‌های تولیدی از منابع هیدروکربنی در توسعه اقتصادی کشور نقش مستقیم خواهد داشت، لذا به‌نظر می‌رسد که باید اصل توسعه اقتصادی را به‌عنوان اصل ضروری در جذب سرمایه‌گذاری‌های نفتی و گازی بالادستی مدنظر قرار داده و لوازم اجرای آن را در طول فرایند سرمایه‌گذاری و استفاده بهینه از عوائد آن پیش‌بینی نمود. بنابراین اصل توسعه اقتصادی کشور باید همواره توسط شرکت ملی نفت ایران در هنگام پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی مدنظر قرار گیرد زیرا هدف از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، رشد و توسعه اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی و انتقال دانش فنی و افزایش تولید و ... است. از این‌رو قوانین و مقررات، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرعت و جهت‌گیری در بخش‌های اقتصادی خصوصاً صنعت نفت و گاز دارد. لذا شفافیت قوانین و مقررات داخلی یکی از شاخص‌های بسیار مهم در تعیین جذب سرمایه‌گذاری و متعاقباً پیشرفت و توسعه کشور است. ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد که پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات جاری کشور باید به‌منظور عمران، آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات، موجب رشد اقتصادی، ارتقای فناوری، ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات کشور شود.

46. Improved oil recovery

47. Enhanced oil recovery

۴۸. ابراهیمی، سید نصرالله، نگاهی به بهینه‌سازی قراردادهای بالادستی صنعت نفت: نسل سوم بیع متقابل، مشعل، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، ۱۷ آبان ۱۳۸۸، شماره ۴۶۸، ص ۹.

## نتیجه

ایران علی‌رغم داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین نیروی انسانی کارآمد و امکانات بالقوه فراوان، متأسفانه از دیرباز از نظر جذب سرمایه‌گذاری خصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است. بدین منظور دولتمردان و دست‌اندرکاران استفاده از مدل قراردادی بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز به فکر استفاده از قراردادهای مزبور در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز ایران افتاده و از اوایل دهه هفتاد شمسی تاکنون از آن به‌عنوان اصلی‌ترین مدل قراردادی در این بخش استفاده می‌نمایند.

بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع نفت و گاز به‌عنوان انفال و ثروت‌های عمومی تلقی گردیده که در اختیار حکومت اسلامی است تا مطابق مصالح عامه با آن رفتار نماید؛ بنابراین اصل حاکمیت ملی در کنار اصول دیگری همچون اصل مالکیت مردم و حاکمیت دولت بر منابع و مخازن نفتی و لزوم تأمین مصالح کشور و توسعه اقتصادی در کلیه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه سرمایه‌گذاری به شیوه بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز باید رعایت گردد.

ساختار حقوقی این‌گونه قراردادهای به‌نحوی طراحی شده است که با توجه به الزامات قانونی از قبیل اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ۸۱ قانون اساسی، اعمال حاکمیت و مالکیت ملی بر منابع نفت و گاز را در اختیار دولت قرار داده است. بنابراین با توجه به ضرورت رعایت اصول مذکور در بین قراردادهای رایج در بخش بالادستی از جمله قراردادهای امتیازی، مشارکت در تولید و ... تنها شیوه قراردادی که می‌تواند ضمن تأمین منافع دولت میزبان، امکان حضور سرمایه‌گذار خارجی را در این بخش فراهم نماید، استفاده از مدل قراردادی بیع متقابل است. در حال نسل سوم قراردادهای بیع متقابل که از سال ۱۳۸۴ طراحی شده تلاش نموده است تا به نیازها و مقتضیات جدید پروژه‌های بالادستی پاسخ مناسب داده، نواقص گذشته را رفع کرده و قراردادهای بیع متقابل را به بلوغ حرفه‌ای خود برساند تا جایی که در حد استانداردهای بین‌المللی، قابلیت جذب سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز را داشته باشد. خاطرنشان می‌گردد که چارچوب قراردادهای نسل سوم بیع متقابل در جهت رعایت ضوابط و مقررات عام و خاص کشور به‌ویژه ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه پیدا کرده است.

تحولات جدید قانونی در صنعت نفت و گاز کشور به‌ویژه قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ امکان طراحی قراردادهای بیع متقابل نسل چهارم را نیز فراهم می‌سازد که در این صورت سرمایه‌گذار خارجی قادر خواهد بود علاوه بر حضور در دوره اکتشاف و توسعه میدان، در دوره تولید و بهره‌برداری نیز حضور طولانی‌مدت داشته باشد، بدون آنکه حق مالکانه نسبت به ذخایر نفتی و گازی یا منابع تولیدی نفت و گاز داشته باشد و همچنین بدون آنکه حاکمیت کشور در سلطه بر منابع نفت و گاز، تحت تأثیر قرار گیرد.

- ابراهیمی، سیدنصرالله، اصلاح یا جایگزینی قراردادهای بیع متقابل، راهکار یا ضرورت، مصاحبه اختصاصی با شانا، مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۸.
- ابراهیمی، سیدنصرالله، نگاهی به بهینه‌سازی قراردادهای بالادستی صنعت نفت: نسل سوم قراردادهای بیع متقابل، مشعل، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، ۱۷ آبان ۱۳۸۸، شماره ۴۶۸.
- اخلاقی، بهروز، ملاحظاتی پیرامون بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
- امامی میبدی، علی و رادان، مهسا، جزوه آموزشی روش‌های تأمین مالی پروژه‌ها، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۲.
- امانی، مسعود، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- خزاعی، حسین، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۷۱.
- جعفریه، احمدرضا، بررسی تطبیقی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران با قراردادهای نفتی سایر کشورها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.
- حبیبی، محمدحسن و نجارزاده هنجنی، مجید، ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی، مجله حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- درخشان، مسعود، منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، ۱۳۸۱.
- رحمانی، فریده، جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، بی‌تا.
- شافع، میرشهبیز، مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحده آمریکا، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- شکرالله‌زاده بهبهانی، حسن، تفاوت تولید نفت قبل و بعد از انقلاب، مشعل، انقلاب در نفت، ویژه سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بی‌تا.
- شیروی، عبدالحسین و ابراهیمی، سیدنصرالله، اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، ترجمه مجتبی اصغریان، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست‌وششم، شماره ۴۱، پاییز - زمستان ۱۳۸۸.
- شیروی، عبدالحسین و پوراسماعیلی، علیرضا، مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۰.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، سمت، ۱۳۸۹.

- صابر، محمدرضا، **بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز**، دادگستر، تابستان ۱۳۸۹.
- صارمی، محمود و جمالی، احمد، **کاربرد مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه فازی برای انتخاب شیوه مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه پژوهشنامه، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۲.
- صادقی، جوانمرد، **جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back) مفهوم، ماهیت و تشریفات انعقاد**، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، بهار - تابستان ۱۳۸۳.
- قاسمی، سامان، **بررسی راه‌های تجهیز و توسعه منابع مالی خارجی**، مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۲۶-۲۵، آبان و آذر ۱۳۸۲.
- کاشانی، جواد، **منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل**، شهر دانش، ۱۳۸۹.
- گروه مشاوران، **بررسی الگوهای قراردادی مناسب برای تأمین مالی در بخش بالادستی نفت و گاز**، جلد اول، دفتر همکاری‌های فناوری معاونت انرژی ریاست جمهوری، دی‌ماه ۱۳۸۴.
- گروه نویسندگان، **کالبدشکافی سرمایه‌گذاری‌های نفتی صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)**، انتشارات کویر، ۱۳۷۹.
- مدرسی، میترا، **توسعه صنعت نفت و گاز در ایران**، موانع، چالش‌ها و فرصت‌ها، ماهنامه فنی و تخصصی اکتشاف و تولید، شماره ۷۶، بهمن ۱۳۸۹.

## (۲) لاتین

- Bunter, M. "The Iranian Buy-back Agreement", vol. I, Issue # 02, March 2003, (www.goeconsulting.co.uk).
- Ferran, E. "Principles of Corporate Finance Law", Oxford University Press, First Published, 2008.
- A. Ghandi, C-Y C. Lin, C-Y C. "An Analysis of Risk and Rate of Return to International Oil Companies From Iran's Buy-back Service Contracts: The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, (<http://www.ucdavis.edu>).
- A. Ghandi, C-Y C. Lin, "Do Iran's Buy-back Service Contracts Lead to Optimal Production? The Case of Soroosh and Nowrooz", 2011, (<http://www.ucdavis.edu>).
- A. Shiravi, and Ebrahimi, S. N., "Exploration and development of Iran's Oil Fields through buyback, Natural Resources" Forum 30, Blackwell Publishing Ltd, 2006.
- C. Ule, & A. Brexendroff, "Iran Investing in the Oil & Gas Industry" (From a Business and legal Perspective), MENA Legal, Frankfurt am Main, 2005, (www.mena-legal.com).
- J. Wright, & Byrknes, A.-Helge, "Buy-back Contract Risk Modeling Using System Dynamics, Sustainability in the Third Millennium", August 2000.